



20 سپتمبر 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

محمد نادرشاه از پادشاهی تا شهادت

(بخش هشتم و سوم)

خصوصیات و ماهیت شورای ملی:

درباره جریانات مختصر شورای ملی کتابی تحت عنوان "آئینه شوری" در دو جلد، تألیف محمد محسن صابر هروی که مدتی هفت سال مدیر عمومی نشرات ولسی جرگه بود، در سال 1386 از طرف ریاست اطلاعات و ارتباط عامه ولسی جرگه (جمعاً بیش از 620 صفحه) باعکس های تاریخی از گروپ های وکلاء دردوره های مختلف به نشر رسید که میتوان آنرا یک مأخذ مستند و قابل اعتبار در زمینه محسوب کرد. جلد اول کتاب معلومات مختصر درباره دوره اول تا دوره نهم و جلد دوم از دوره دهم تا دوره سیزدهم را دربرمیگیرد. در این کتاب مطالبی درباره شورای دوره اول نگاشته شده که یک نمونه ای ممثل برای شش دوره بعدی نیز محسوب میشود، زیرا دوره هفتم شورا (دردوره صدارت شاه محمودخان) با تحولات مهم همراه بود و از دوره های قبلی تفاوت داشت و اما در این مبحث تمرکز بیشتر بر خصوصیات شورای دوره اول است.

طوریکه در مباحث قبلی تذکار رفت، محمدنادرشاه قبل از تشکیل شورا به تدویر لویه جرگه پرداخت که بتاريخ 18 سنبله 1309 در قصر "استور" وزارت خارجه تحت ریاست محمد هاشم خان صدراعظم دایر گردید و در آن جمعاً 525 نفر (از جمله 299 نفر اعضای انتخابی توسط مردم و 207 نفر اعضای انتصابی مشمول مامورین دولت و نیز 18 نفر اعضای کوردپلماتیک به حیث سامع) اشتراک داشتند. از مصوبات آن لویه جرگه یکی هم لایحه "شورای ملی" بود. همچنان در همین لویه جرگه تصمیم گرفته شد که از بین 299 نفر اعضای انتخابی به تعداد 110 نفر از مربوطات هرنائب الحکومگی و حکومت اعلی برای عضویت دوره اول شورای ملی انتخاب شوند. (اسمای نمایندگان انتخابی برای شورای ملی دیده شود - کتاب: "آئینه شوری"، تألیف: صابر هروی، محمد محسن، جلد اول، کابل، 1386، صفحه 17 تا 21)

صابر هروی مؤلف کتاب "آئینه شوری" در یک قسمت مقدمه کتاب خود راجع به تشکیل شورا و سپس مجلس اعیان می نویسد: «محمدنادرشاه در سال 1310 بعد از تقویت امور نظامی، شورای دولت را که قسماً انتصابی و قسماً انتخابی بود، به دو اتاق شورای ملی و اعیان تقسیم کرد و قسمت انتخابی آنرا "شورای ملی" و قسمت انتصابی آنرا "مجلس اعیان" نام گذاری کرد. در این آوان بود که نظامنامه اصول اساسی دوره امانیه را در شورای دولت و لویه جرگه مطرح و آنرا تعدیل [ملغی] و یک قانون اساسی جدید را بنام "اصول اساسی دولت علیه افغانستان" که با ایجابات عصر و زمان و محیط سازش داشت، روی کار آورد و ضمناً یکتعداد نظامنامه های دوره امانیه را تعدیل و یک سلسله اصولنامه های دیگری در ساحات مختلف مملکتی بوجود آورد.»

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پاډوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

صابر هروی راجع به ماهیت و نحوه انتخاب وکلا و هیئت اداری شورای ملی بطور عموم می نویسد: «شورای ملی بنام وجود داشت. ظاهراً به اساس قانون انتخابات که یک مشت اشخاص درباری آنرا تدوین و ترتیب کرده بودند، انتخابات صورت می‌گرفت، ولی چون ملت از خود اراده و اختیاری نداشت، هرکس را که عمال دولتی برمی‌گزیدند، توسط حکام و نایب الحکومه‌ها تعیین و به مرکز فرستاده میشد تا از ملت در شورای ملی نمایندگی کند. در شورای ملی هم رئیس و اعضای اداری آن به اشاره و صوابدید شخص پادشاه و صدراعظم انتخاب و موضوعاتی که در شورای ملی مطرح و تصویب میشد، هم یک جانبه غیرمترقی و گاهی از مشکلات ملت را باز نمی‌کرد... رؤسای هر دوره از میان کسانی تعیین می‌گردیدند که در پستهای مهم دولتی کار کرده بودند و کاملاً طرف اطمینان شاه و درباریان بودند و شورای ملی برای یک مدت طولانی در یکی از عمارات داخل ارگ شاهی [در عمارت "سلامخانه"] نزدیک دربار و زیر نظر دارالتحریر شاهی جا داده شده بود.»

«اعضای شورای ملی به اشاره پادشاه و صدراعظم زیر نظر حکام و نایب الحکومه‌ها از میان کسانی تعیین و انتخاب میشدند که اصلاً به معنی و مفهوم قانون و قانونگذاری آشنائی نداشتند و فقط بنام و معاش وکالت اکتفاء کرده طرف اعتماد پادشاه و حکومت‌های وقت بودند، چنانچه اکثریت اعضای شورای ملی را اشراف زادگان، خانان، اربابان و قریه داران یا ملاکین بزرگ و دلالان کم سواد و بیسواد تشکیل میدادند. همچنان اعضای مجلس اعیان را نیز از میان مامورین بزرگ متقاعد و یا مردان معمر اطمینانی تعیین و انتخاب میکردند تا بصورت غیرمستقیم شورای ملی و اعیان زیر سلطه و اختیار شخص پادشاه و حکومت باشد.»

صابر هروی در آغاز کتاب خود تحت عنوان "چهره مجلس شورای ملی در دوره اول" به ذکر نکاتی بسیار دلچسپ و حقایقی از چشم دید خود می‌پردازد که برای اکمال این مبحث بیان آن از لحاظ تاریخی حائز اهمیت است. او می‌نویسد: «در دوره اول شورای ملی که ظاهراً یک دوره نمایشی و فقط نام آن شورا بود، چون درباطن همه وکلاء انتصابی و غیرانتخابی بودند و به حیات قانونگذاری بلدیت نداشتند، فقط از اینکه در دستگاه حاکمه راه پیدا کرده اند و اعزاز و اکرام میشدند، دل خوش کرده بودند و از دیگر وجائب و وظایفی که یک وکیل به تمام معنی در برابر مؤکلین و منطقه خود دارد، بی اطلاع بودند.»

«در آنوقت به وکلاء معاش، کرایه خانه، سالی دودست دریشی (دریشی‌ها به شکل یونیفورم مخصوص شورا) توسط خیاطان شورا مطابق به قد و اندام هر وکیل بهاری و زمستانی تدارک و توزیع می‌گردید و در موقع آمدن از اوطان خود و رفتن بسوی شهرها و مناطق خویش کرایه راه به وکلاء پرداخته میشد و هرروز درموقع اجلاس به وکلاء نان طبخ می‌گردید که این امتیاز درواقع به وکلایی که حیثیت قانونی خود را نمی‌دانستند، می‌فهماند که هر موضوع را که حکومت به شورا می‌فرستد، در آوای همان امتیازات باید پذیرفته شود.... وکلاء در وقت حاضری صبح هر جا بودند، دریشی متحد الشكل خود را پوشیده دسته دسته و یا انفرادی داخل سلامخانه ارگ شاهی میشدند و مرتب بالای چوکی‌های یک نفری که در دو سمت تالار سلامخانه مقابل یکدیگر چسبیده شده بودند، قرار می‌گرفتند و وقتی رئیس شورای ملی (عبدالاحد خان مایار) و اعضای اداری (معاون و منشیان و مخفف نویسان) داخل تالار می‌شدند، همه وکلاء بپا خاسته تا وقتی رئیس به چوکی خود می‌نشست، به اجازه رئیس (مانند طلاب مکتب) دوباره می‌نشستند و صدای احدی بر نمی‌خاست، تنها حق حرف زدن را وقتی یک وکیل داشت که رئیس مجلس از او درمورد موضوع مطرح شده چیزی می‌پرسید، آنهم مشروط به شروط و وقتی که معین می‌کرد. وکیل مانند یک متعلمی که درشش را بازگو میکند، از جای خود

برخاسته و پس از تعظیم و احترام، رئیس را مخاطب قرار میداد و چند کلمه مختصری ربط میدانست که به اصل موضوع هم ارتباط نداشت، بی پیرایه و عامیانه می گفت و به اجازه رئیس پس بجای خود می نشست... منشیان مجلس حیثیت سرجماعت "کفتان" صنوف مکتب را داشتند، هرگاه یک وکیل در جریان مجلس می خندید و یا با دیگری آهسته صحبت میکرد، نامش را منشیان می نوشتند و به رئیس مجلس می سپردند که بعد از ختم مجلس به وکیل موصوف اخطار میکردید.»



نمایندگان دوره اول شورای ملی

«دروقت حضور در مجلس هیچ یک از وکلاء حق بیرون شدن از تالار را نداشتند، ولو برای قضای حاجت که یک امر طبیعی است، و مطابق به ماده 44 وظایف داخلی حق سگرت کشیدن را نداشتند، ولی در هر قطار از چوکیهای که وکلاء قرار میگرفتند، "تقدانی"ها برای تف کردن نصور موجود بود.»

در مورد تهیه مصوبات صابر هروی می افزاید: «تند نویس ها که بنام مخفف نویس یاد می شدند و کمی باسوادتر از وکلا بودند، مطالب را می نوشتند و با روحیه اصل مطلب گزارش کوتاهی تهیه و آنرا به چند پراگراف تقسیم و بنام هر وکیل مورد نظر که صحبت کرده بود، نسبت میدادند و منشی مجلس فوراً آنرا بشکل فیصله قطعی و رأی اکثریت می نوشت. همینکه صدای رئیس مجلس که در آنوقت مکروفون و بلندگو وجود نداشت، بلند می شد، چون فضای مجلس کاملاً ساکت و خموش بود، همه وکلا میداستند که وقت رایگیری است، مثل کودکی که درسش را امتحان داده و منتظر زنگ تفریح و تعطیل است، بعد از اعلان رایگیری در موضوع دست خود را از شانه بالاتر کرده رأی قطعی خود را ابراز می نمودند. در اینوقت چون وکیلی پیدا نمی شد که مخالف باشد، زیرا مخالفت در موضوع مطروحه گناه نابخشودنی بود، پس از اعلام تصویب موضوع به اکثریت جلسه را خاتمه میداد. در این فرصت بود که وکلا مانند متعلمین مکتب از تالار بیرون می پریدند و در برنده ها و روی چمن باغ سلامخانه به صحبت و مزاح پرداخته سپس دیوانه وار به اتاق نانخوری هجوم برده و

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

در ظرف چند دقیقه نان خوردن ختم و پس از ادای نماز ظهر متفرق می شدند.» (مأخذ بالا...، صفحه 14 تا 16)



شورای ملی حین اجلاس در قصر سلامخانه

برطبق "اصول انتخابات وکلای شورای ملی افغانستان" مصوبه لویه جرگه 1309 شخصیکه به حیث وکیل انتخاب می شد، باید سن او بین 30 تا 70 سال و "حتی الامکان دارای سواد" می بود و بصدافت و راستکاری شهرت میداشت. صابر هروی می نویسد: «البته بیشتر این کاندیدها قبلاً به استشاره حکومت معمولاً از بین ارباب ها، ملاکها و خوانین منتفذ انتخاب می شدند و حکومت بدینوسیله کوشش میکرد تا همچو اشخاص را از محل دور کرده و تحت نظر خود در کابل مصروف نگهدارد». نحوه و طرز انتخاب در هر حوزه انتخاباتی طبق اعلان قبلی کاندید یا کاندیدها حاضر و توسط اهالی آنجا گویا بطور "مستقیم و بلاواسطه" به اکثریت آراء توسط جرگه انتخاباتی که از دو روز قبل در حوزه مربوطه تجمع میکردند، انتخاب و یا به عبارت دیگر برگزیده می شد و در پایان جرگه کاتب محکمه شرعی صورت انتخاب را در سه نسخه حاضر کرده به امضای هیئت محکمه شرعی و حکومت محلی رسانیده و یک نسخه آنرا به حیث اعتبار نامه به وکیل منتخب داده و وکیل بعداً آنرا به هیئت اداری شورا به حیث سند وکالت خود در شورا ارائه میکرد. نا گفته نماند که این شیوه تا انفاذ قانون اساسی 1343 (1964) همچنان نافذ بود. به همین ترتیب وقتی دوره اول شورا شروع بکار کرد، اصول وظایف داخلی را در ماه عقرب 1310 در داخل 45 ماده تصویب نمود که به صحه پادشاه رسید و نافذ گردید. (دیده شود - مأخذ بالا... صفحه 53 تا 58 و نیز صفحه 68 تا 75)

قابل ذکر است که در همین دوره یکی از فعالان سیاسی مشهور به بابا عبدالعزیز که از جمله جوانان نهضت دوم مشروطیت بود و در زمان شاه امان الله غازی به حیث مدیر "طلوع افغان" در قندهار کار میکرد، در سال 1309 به حیث وکیل شهر قندهار به لویه جرگه و سپس به حیث وکیل آن شهر در دوره اول شورا انتخاب گردید. موصوف که شور در سر داشت به دلیل مخالفت با انتخاب عبدالاحد خان مایار بریاست شورا مورد غضب مقامات قرار گرفت و از عهده وکالت برکنار و مؤقتاً بیک وظیفه در وزارت خارجه تبدیل گردید و چندی نگذشته بود که موصوف مثل صداهای دیگر بدون جرم

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لوی

مشخص زندانی شد و مدت 13 سال را در زندان دهمزنگ گذرانید. (خالد صدیق: "برگی چند از نهفته های تاریخ در افغانستان"، جلد دوم، صفحه 313 تا 317)

غبار در جلد دوم کتاب خود در مورد شورای ملی چنین می نویسد: «قبلاً در دوران امانیه در جرگه کبیریک هزار نفری پغمان در سال 1307 ش فیصله گردیده بود که یک شورای ملی 150 نفری از وکلای انتخابی و حتی المقدور با سواد افغانستان تأسیس گردد و وکلای این جرگه نمیتوانند خود بحیث وکیل در شورای جدید داخل شوند. در همین سال آتش اغتشاش سقوی در مملکت دامن زده شد و دولت امانی سقوط کرد، لهذا مصوبات این جرگه بزرگ معوق ماند. نادرشاه نه تنها برای نمایش بلکه بغرض تحمیل مسئولیت فیصله های خود بریک شورای میان تهی در صدد تأسیس شورا برآمد، اما به ترتیبی که قید سواد را از وکیل منتخب برداشت و سند انتخاب را وثیقه شرعی قرار داد یعنی رأی سری و صندوق آراء و تعدد کاندید را معتبر نشمرد. پس هر خان و یا ملاء و متنفذی که دولت آنرا میخواست، در محل انتخاب، یکعده اشخاصی را در محکمه شرعی حاضر کرده از اقرار علنی آنها خودش را وکیل منتخب میساخت و وثیقه شرعی حاصل مینمود.» (غبار...، جلد دوم، صفحه 104)

کاندیداکادمیسین ابراهیم عطائی در کتاب "تاریخ معاصر افغانستان" می نویسد: «محمد نادرشاه میدانست که در مقابل نظامنامه های دولت امانی حساسیت موجود بود و این هم یک کار پلان شده بود تا با این طریق دولت امانی را از ریشه برکنند و این داستان خارجی و اجیران داخلی بود که بحران را بمیان آوردند، ولی برای نادرخان مشکلی از خارج متوجه نبود...، پادشاه هوشیار با استفاده از فرصت همان قوانینی را که در دوره امانی بنام "نظامنامه" یاد می شدند، با تغییر اندک بنام "اصولنامه" نافذ کرد... در این شکی نیست که شورا شکل فورمالیته را داشت و اشخاصی بوکالت می رسیدند که غلام حلقه بگوش صدراعظم و حکومت می بودند. با وجود آن هم حکومت هایی که براساس همین اصولنامه شکلاً تشکیل شده بود، با آنها یک رنگ قانونی داشت.» (عطائی، محمد ابراهیم: "نگاهی مختصر به تاریخ معاصر افغانستان، چاپ اول، پشاور، 1389، صفحه 301 - 302)

مقر شورای ملی و مجلس اعیان تا سالهای 1336-1337 در عمارت "سلامخانه" قرار داشت و اما بعداً به امر شهید محمد داؤد صدراعظم وقت نخست به قصر دارالامان و سپس در عمارت مهمانخانه اتاق تجارت در کنار جاده دارالامان انتقال یافت، تا آنکه اخیراً عمارت جدید به شکل مدرن و اختصاصی به کمک کشور هند برای پارلمان - ولسی جرگه و مشرانو جرگه در جوار قصر دارالامان ساخته شد.

(ادامه دارد)